

بررسی تطبیقی حق مالکیت اختراعات دانشگاهی و مؤسسه‌های پژوهشی (با تکیه بر مفهوم عدالت)

طیبه صاحب*

استادیار گروه حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۰

دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۴

چکیده

تعیین مالکیت اختراعات حاصل از پژوهش‌های انجام شده در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، بنا به دلایل مختلفی از جمله لزوم تجاری‌سازی هرچه بیشتر این‌گونه اختراعات، در عین فراهم کردن انگیزه لازم در مخترعان، موضوع سیاست‌گذاری در حوزه حقوق مالکیت فکری بوده است. در این خصوص، چهار ساختار مالکیت متفاوت پیشنهاد شده است: (۱) مالکیت دانشگاه، (۲) مالکیت مخترع، (۳) ورود به قلمرو اموال عمومی، و (۴) مالکیت مشترک مخترع و دانشگاه.

در این مقاله ابتدا، هریک از مدل‌های پیشنهادی تعریف و تجربه سایر کشورها درخصوص آن‌ها بیان می‌شود. سپس به منظور ارائه ساختار مالکیت متناسب با عدالت، به معرفی اجمالی معیارهای سه‌گانه عدالت توسط ارسطو، جرمی بنتام و جان راولز پرداخته می‌شود و تطابق هریک از این مدل‌های مالکیت موجود با معیارهای سه‌گانه عدالت سنجیده می‌شود. در پایان با توجه به لزوم تعیین موردی شخصی که امکان بیشتری برای تجاری‌سازی اختراعات دارد، مدل تلفیقی با عنوان «مالکیت دانشگاه با حق انتخاب مالکیت توسط مخترع» پیشنهاد می‌شود.

Email: T-saheb@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

واژگان کلیدی: اختراع‌های دانشگاهی و مؤسسه‌های پژوهشی، تجاری‌سازی، مالکیت دانشگاه، سنت امتیاز استادی، مالکیت مشترک، قلمرو اموال عمومی، عدالت.

۱. مقدمه

طبق پژوهش‌های انجام شده، عوامل مختلفی مانع از تجاری‌سازی اختراعات انجام شده در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی کشور است. از جمله این موانع می‌توان به موانع محیطی، مدیریتی، منابع انسانی، مالی، صنعتی، ساختاری، فرهنگی و شناختی و موانع حقوقی اشاره کرد.

مهم‌ترین موانع حقوقی عبارتند از: ۱) ضعف قوانین مالکیت فکری در سطح دانشگاهی و ملی، ۲) ضعف سیاست‌ها و مقررات تجاری‌سازی اختراعات، و ۳) عدم اجرای صحیح قوانین (Farsi et al, 2011, p. 6-8).

در این مقاله بر آن هستیم تا درخصوص موانع حقوقی اول یعنی عدم شفافیت و ضعف قوانین ناظر به حق مالکیت اختراعات برخاسته از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی بحث کنیم. به این منظور، ابتدا ۱) قاعده کلی مالکیت اختراعات و استثنای اختراعات ناشی از استخدام، و ۲) مدل‌های مالکیت اختراعات دانشگاهی را بررسی و در پایان ۳) عادلانه‌ترین وضعیت مالکیت اختراعات دانشگاهی را با توجه به تعاریف مختلف عدالت پیشنهاد خواهیم کرد.

۲. قاعده کلی و استثنای اختراعات ناشی از استخدام

به موجب قاعده کلی مندرج در بند «الف» ماده ۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری کشورمان مصوب ۱۳۸۶، کلیه حقوق مادی و معنوی اختراع به مخترع تعلق دارد.

یکی از استثنائات وارد بر این قاعده، اختراعات حاصل از استخدام و یا قرارداد است. به موجب بند ۵ ماده ۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علامت تجاری:

«در صورتی که اختراع ناشی از استخدام یا قرارداد باشد، حقوق مادی آن متعلق به کارفرما خواهد بود، مگر آن که خلاف آن در قرارداد شرط شده باشد».

این قاعده تقریباً در سایر کشورها نیز پذیرفته شده است که از جمله می‌توان به آمریکا، انگلستان، آلمان، ایتالیا، استرالیا، فرانسه، چین، برزیل و مصر اشاره کرد. البته برخلاف نظام حقوقی ایران که بدون هیچ قید و توضیحی، به طور مطلق، مالکیت اختراعات ناشی از قرارداد و استخدام را متعلق به کارفرما دانسته است، در بسیاری از نظام‌های حقوقی، تعلق حق مالکیت به کارفرما مشروط به تحقق شرایط خاصی همچون استفاده مؤثر کارگر یا طرف قرارداد از امکانات کارفرما در ایجاد اختراع است (Linde, 2011, p. 14).

در حوزه اختراعات حاصل از طرح‌های پژوهشی انجام شده در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، طبق استثنای اختراعات ناشی از استخدام، چنانچه دانشجو، استاد و یا محقق و پژوهشگر دانشگاه و یا مؤسسه پژوهشی موفق به انجام اختراع و ابداع شود، حقوق مادی آن به کارفرما که در این فرض دانشگاه و یا مؤسسه پژوهشی است تعلق می‌گیرد.

سؤالی که در این مقاله درصدد پاسخگویی به آن هستیم این است که با توجه به سیاست کلی تجاری‌سازی اختراعات دانشگاهی که منجر به استفاده و گردش هرچه بیشتر اختراع در جامعه و در نهایت افزایش ثروت در جامعه خواهد شد، کدام نظام مالکیت درخصوص اختراعات دانشگاهی مناسب‌تر است؟ آیا اختراعات دانشگاهی طبق استثنای وارد بر قاعده کلی مالکیت مخترع، باید مانند سایر اختراعات ناشی از استخدام و یا قرارداد در نظر گرفته شود و مالکیت اختراع به دانشگاه به‌عنوان کارفرما و طرف قرارداد واگذار شود؟ یا آن‌که اختراعات دانشگاهی داخل در این استثنا نیستند و در نتیجه باید همان قاعده کلی مالکیت مخترع اجرا شود؟

به منظور یافتن پاسخ این پرسش، در ادامه ابتدا مدل‌های پیشنهاد شده برای مالکیت اختراعات دانشگاهی را بررسی می‌کنیم و سابقه اجرای هر یک از این مدل‌ها را

در کشورهای مختلف بیان می‌کنیم. سپس با توجه به منافع و مصالح متعارض درگیر و ملاحظات خاصی که باید به هنگام سیاستگذاری مورد توجه قرار گیرد، عادلانه‌ترین مدل را بر مبنای ملاحظات عدالت توزیعی پیشنهاد می‌کنیم.

۳. مدل‌های مالکیت

در اکثر مقاله‌ها و نوشته‌های علمی، سه مدل اصلی برای مالکیت اختراعات دانشگاهی پیشنهاد شده است: (۱) مالکیت دانشگاه، (۲) مالکیت مخترع، (۳) عدم شناسایی حق مالکیت و ورود اختراع به قلمرو اموال عمومی (Kenney, 2009, p. 1408). علاوه بر این سه مدل، مدل دیگری نیز وجود دارد که هرچند در مقالات، کمتر به آن پرداخته شده، ولی در کشور ما بیش‌ترین کاربرد را دارد و آن (۴) مالکیت مشترک دانشگاه و مخترع است. در ادامه به بررسی بیش‌تر هر یک از این مدل‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. مالکیت دانشگاه

در آغاز به طور مختصر، (۱) ویژگی‌های اصلی این مدل و (۲) آثار عملی آن را در مقام اجرا بررسی می‌کنیم.

۳-۱-۱. ویژگی‌ها

در سال ۱۹۸۰ در ایالات متحده آمریکا قانونی به تصویب رسید که با توجه به نام پیشنهاددهندگان به قانون بای-دال معروف شد. این قانون ناظر به مالکیت اختراعاتی بود که با بودجه دولت فدرال در دانشگاه‌ها به انجام می‌رسید. با توجه به این‌که این پژوهش‌ها به سفارش و با تأمین مالی دولت فدرال انجام می‌شدند، طبق استثنای اختراعات قراردادی، مالکیت آنان به دولت فدرال تعلق می‌گرفت. بای و دال، دو سناتور امریکایی با این استدلال که مالکیت دولت،

۱. Bayh-Dole Act

تجاری‌سازی اختراعات را به تأخیر می‌اندازد پیشنهاد دادند مؤسسات غیرانتفاعی از قبیل دانشگاه‌ها و کسب و کارهای کوچک که با بودجه دولت فدرال اقدام به انجام طرح‌های تحقیقاتی می‌کنند و در نتیجه این پژوهش‌ها موفق به انجام اختراعی نیز می‌شوند، حق داشته باشند مالکیت اختراع را برای خود حفظ کنند. در مقابل استفاده از این امتیاز، دانشگاه ملزم به انجام تعهداتی می‌شود. اول این‌که دانشگاه مکلف است اختراع را به ثبت برساند. دوم مخترع را نیز باید در عواید حاصل از تجاری‌سازی اختراع سهیم کند. سوم دانشگاه مکلف است مجوز بهره‌برداری از اختراع را ترجیحاً به کسب و کارهای کوچک واگذار کند. در این میان، دولت نیز دارای مجوز غیرانحصاری جهانی برای بهره‌برداری از اختراع است (Paraskevopoulou, 2013, p.2).

به این ترتیب، هر سه عامل کلیدی و مؤثر در جریان خلق اختراع، هر یک به طریقی در اختراع حاصل سهیم می‌شوند: دانشگاه مالکیت را به دست می‌آورد، مخترع در عواید تجاری‌سازی سهیم می‌شود، و دولت نیز مجوز غیرانحصاری جهانی از اختراع را تحصیل می‌کند. به منظور تضمین تجاری‌سازی نیز دانشگاه مکلف است، مجوز بهره‌برداری از اختراع را حداقل به یک شرکت ترجیحاً کوچک واگذار کند.

این قانون، استثنایی بر استثنای اختراعات ناشی از استخدام و قرارداد است که به موجب آن، مالکیت اختراع نه به شخص مخترع و نه به کارفرما، بلکه به شخصی تعلق می‌گرفت که در دایره اشخاص دخیل در خلق اختراع، بیشترین قدرت را در تجاری‌سازی آن داشت.

به این ترتیب، در این مدل حقوقی، تجاری‌سازی و مصرف هرچه بیشتر اختراع، اولویت بیشتری از فراهم کردن انگیزه خلق و تولید اختراع دارد. طبق فلسفه ابتدایی نظام حقوق مالکیت فکری، با ترجیح انگیزه خلق اختراع، ابتدا حق مالکیت اختراع به مخترعان اعطا شده است. سپس برای فراهم آوردن امکان دسترسی و مصرف هرچه

بیش‌تر اختراعات، استثنائاتی از حیث موضوع و گستره حمایت بر آن وارد شده است (صاحب، ۱۳۹۱، ص ۲۲۷).

این در حالی است که درخصوص اختراعات دانشگاهی که با بودجه دولت تأمین مالی می‌شوند، دولت از حق مالکیت خود به نفع تجاری‌سازی و مصرف هرچه بیشتر اختراعات گذشته و مالکیت آن را طبق فلسفه حاکم بر استثنای اختراعات ناشی از استخدام و قرارداد به دانشگاه که بیش‌ترین توانایی را در تجاری‌سازی اختراع دارد واگذار می‌کند.

۳-۱-۲. آثار عملی

پس از تصویب قانون بای-دال در کشور آمریکا، ثبت اختراعات دانشگاهی در این کشور رونق گرفت و اختراعات بیش‌تری به مرحله تجاری‌سازی رسیدند. تجربه موفق آمریکا موجب شد، کشورهای دیگر اعم از توسعه‌یافته و یا در حال توسعه، قوانینی نظیر این قانون را در قوانین ملی خود به تصویب رسانند که از آن جمله می‌توان به انگلستان، بلژیک، آلمان، دانمارک، نروژ، ژاپن، برزیل، چین، شیلی، آرژانتین، روسیه، مکزیک، هند، فیلیپین، اندونزی، مالزی و آفریقای جنوبی اشاره کرد (Graff, 2007).

در همین راستا بند خ ماده ۶۴ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان نیز در حکمی مشابه قانون بای-دال مقرر کرده است: «دستگاه‌های اجرائی مجازند در راستای توسعه، انتشار و کاربست فناوری، مالکیت فکری، دانش فنی و تجهیزاتی را که در چهارچوب قرارداد با دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی و فناوری دولتی ایجاد و حاصل شده است، به دانشگاهها و مؤسسات یادشده واگذار نمایند»^۱.

۱ تبصره ۲ ماده ۱۷ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان نیز در حکم مشابهی مقرر کرده بود:

با توجه به تعریف دستگاه اجرایی در قانون مدیریت خدمات کشوری، دستگاه اجرایی علاوه بر دولت شامل نهادهای عمومی غیردولتی نیز می‌شود. با وجود این، نکته حائز اهمیت در این ماده، امکان واگذاری مالکیت اموال فکری حاصل به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی و فناوری دولتی است. به این ترتیب برخلاف استدلال اصلی تصویب قانون بای - دال مبنی بر عدم کارایی مالکیت دولتی و لزوم خروج مالکیت اموال فکری از ید دولت، حتی با اعمال این تبصره، مالکیت در کشور ما همچنان در ید دولت باقی می‌ماند و صرفاً کارگزار و چهره مالک تغییر می‌کند.

در زمان نگارش این مقاله، درخصوص آثار عملی تصویب تبصره ۲ ماده ۱۷ قانون برنامه پنجم توسعه، پژوهش منتشر شده‌ای در دسترس نبود؛ اما نتیجه مطالعات تجربی در سایر کشورها نشان می‌دهد در اکثر کشورها پس از اجرای قانون، تعداد اظهارنامه‌های حق اختراع و گواهینامه‌های اختراعی که دانشگاه مالکیت آن‌ها را داشت، همچنین تعداد معاملات مجوز بهره‌برداری (لیسانس) توسط دانشگاه‌ها افزایش یافت. این در حالی بود که در مقابل، نرخ فعالیت‌های کارآفرینی دانشگاهی، تعداد و کیفیت شرکت‌های تازه تأسیس^۱ و شرکت‌های انشعابی^۲ دانشگاهی کاهش یافتند که از جمله می‌توان به مطالعه‌ای در کشور نروژ اشاره کرد که به موجب آن، پس از تصویب قانون مشابه بای-دال، نرخ فعالیت‌های کارآفرینی و تعداد گواهینامه‌های اختراع در دانشگاه‌ها پنجاه درصد کاهش یافت. همچنین از نظر معیارهای کیفیت نیز شرکت‌های تازه تأسیس و اشعابی با افت کیفیت مواجه شدند (Hvide, 2016).

«در راستای توسعه و انتشار فناوری به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود مالکیت فکری، دانش فنی و تجهیزاتی را که در چارچوب قرارداد با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری دولتی ایجاد و حاصل شده است به دانشگاه‌ها و مؤسسات یادشده واگذار کنند.»

۱. start-up company
۲. spin-off company

در آلمان نیز که از سال ۲۰۰۲ نظام مشابه بای - دال را اجرا کرد، تعداد اختراعات دانشگاهی یا بدون تغییر ماند و یا کاهش پیدا کرد (Ledebur, 2009). به این ترتیب هرچند مدل مالکیت دانشگاه، به توسعه فعالیت‌های تجاری‌سازی در دانشگاه‌های آمریکا کمک کرده است، اما در سایر کشورها، چنین تجربه موفق مشاهده نشد. دلیل این امر، به گفته متخصصان، تأثیر سایر عوامل در بهبود وضعیت تجاری‌سازی اختراعات دانشگاهی آمریکا بود. به موجب پژوهش‌های انجام گرفته، علاوه بر اصلاح ساختار مالکیت اختراعات دانشگاهی، عوامل دیگری همچون تقویت نظام حقوق مالکیت فکری، پیشرفت‌های علمی در حوزه تحقیقات زیست‌پزشکی و افزایش بودجه اختصاصی دولت به پژوهش‌های دانشگاهی نقش مهمی در این موفقیت داشته‌اند (Ramli, 2014).

۲-۳. مالکیت مخترع

۱-۲-۳. ویژگی‌ها

در برخی نظام‌های حقوقی، طبق قاعده کلی مالکیت اموال فکری، شخص مخترع یا پدیدآورنده، مالکیت اختراعات را به دست می‌آورد. در این نظام‌های حقوقی با توسل به فلسفه اولیه و زیربنایی نظام حقوق مالکیت فکری در ایجاد انگیزه اختراع، شخص مخترع، مستحق مالکیت اختراع شناخته شده است.

در نظام‌های حقوقی که قائل به مالکیت مخترع هستند، مخترع تصمیم می‌گیرد که شخصاً اختراع را تجاری‌سازی کند، آن را برای تجاری‌سازی به شخص دیگری واگذار کند، در این باره از خدمات اداره یا دفتر انتقال فناوری دانشگاه استفاده کند، و یا این‌که اختراع را وارد قلمرو عمومی کند. عدم تملک اختراع توسط شخص مخترع و وارد کردن آن به قلمرو اموال عمومی اغلب درخصوص نرم‌افزارهای رایانه‌ای مشاهده می‌شود که به موجب آن اساتید و محققان دانشگاهی معمولاً نرم‌افزارهای

تولیدی خود را به رایگان در اختیار سایرین قرار می‌دهند (Kenney, 2009, p. 1414).

۲-۲-۳. آثار عملی

در عمل، یکی از نمونه‌های موفق نظام حق مالکیت مخترع، دانشگاه واترلو^۱ در کشور کانادا است. طبق سیاست شماره ۷۳ این دانشگاه، «هر چیز که در واترلو کشف می‌کنید به خود شما تعلق دارد».^۲

در مقابل، دانشگاه، مجوز غیرانحصاری، رایگان و غیر قابل فسخ برای نسخه‌برداری و یا استفاده از این آثار و اختراعات را در سایر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی به دست می‌آورد. (University of Waterloo : Policy 73)

مطالعات تجربی نشان می‌دهد دانشگاه واترلو، بیشترین و با کیفیت‌ترین شرکت‌های انشعابی دانشگاهی را در مقایسه با سایر دانشگاه‌های دنیا دارد و همین امر نشانگر موفقیت اجرای مدل مالکیت مخترع در این دانشگاه است (Kenney, 2011).

در گذشته، مدل مالکیت مخترع، با اقبال بیشتری نسبت به اکنون مواجه بود و کشورهای متعددی مانند اتریش، فنلاند، آلمان و دانمارک، این مدل را تحت عنوان سنت «امتیاز استاد»^۳ اجرا می‌کردند. اما امروزه این کشورها تغییر سیاست داده و نظام حق مالکیت دانشگاه را پذیرفته‌اند. سوئد یکی از کشورهای اروپایی است که همچنان به این سنت وفادار مانده است.

در میان کشورهای که اخیراً به جرگه نظام‌های قائل به مدل مالکیت مخترع پیوسته‌اند می‌توان به ایتالیا اشاره کرد که از سال ۲۰۰۱ نظام امتیاز استاد را در کشور خود اجرا کرده است (Audretsch, 2012, p. 1).

۱. Waterloo University

۲. “everything you discover at Waterloo belongs to you”

۳. professor's privilege

هرچند نظام مالکیت دانشگاه در عمل منجر به افزایش تعداد گواهینامه‌های اختراع و قراردادهای مجوز بهره‌برداری (لیسانس) شده است، نظام مالکیت مخترع منجر به افزایش تعداد و کیفیت بالاتر شرکت‌های انشعابی دانشگاهی شده است.

۳-۳. ورود به قلمرو اموال عمومی

مدل سوومی که در خصوص مالکیت اختراعات دانشگاهی قابل تصور است، نظامی است که در آن اختراعات دانشگاهی به محض خلق، وارد قلمرو اموال عمومی شوند. طبق این دیدگاه، امکان استفاده آزاد از اختراعات منجر به تجاری‌سازی بیشتر آنان می‌شود (Kenney, 2009, p. 1417). هرچند این مدل می‌تواند منجر به استفاده هرچه بیشتر از اختراعات شود، اما به دلیل عدم پیش‌بینی هیچ حقی برای مخترعان و دانشگاه، انگیزه ورود به فرایند خلق اختراع را کاهش می‌دهد. بر همین اساس، نظامی که در آن نه مخترع و نه دانشگاه حق مالکیت و یا هیچ گونه حقی بر اختراع نداشته باشند، منجر به کاهش انگیزه، هم از سوی مخترع و هم از جانب دانشگاه خواهد شد.

۳-۴. مالکیت مشترک مخترع و دانشگاه

در اکثر مقالات پژوهشی موجود در حوزه مالکیت اختراعات دانشگاهی، توجهی به ساختار مالکیت مشترک دانشگاه و مخترع نشده است. دلیل این امر نیز ناکارآمدی و هزینه‌های بالای اجرای مالکیت مشترک است. بالا بودن هزینه‌های مدیریت مشترک اختراعات، خود منجر به افزایش هزینه‌های معاملاتی و در نهایت ناکارآمدی این مدل می‌شود. به همین دلیل، این ساختار مالکیت، دست‌کم در آثار پژوهشی و نظری که بر ملاحظات عملی و اقتصادی تکیه دارند، توصیه نشده است.

با وجود این، در کشور ما، در اکثر دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، ساختار مالکیت مشترک دانشگاه و مخترع اجرا می‌شود و هم مخترع و هم دانشگاه، به طور مشترک مالکیت اختراع را به دست می‌آورند.

درخصوص تأثیر عملی اجرای این ساختار مالکیت در کشور، تاکنون تحقیق میدانی و تجربی انجام نشده است تا بتوان بر مبنای آن نسبت به کارآمدی آن در عمل اظهار نظر کرد.

۴. ارائه الگوی عادلانه

برای ارائه الگوی عادلانه مالکیت اختراعات دانشگاهی لازم است منافع متعارض دخیل در فرایند خلق و تجاری‌سازی اختراع مد نظر قرار گیرد. در چرخه خلق و تجاری‌سازی اختراعات دانشگاهی، اغلب اشخاص زیر حضور دارند: (۱) مخترع به‌عنوان پدیدآورنده اختراع، (۲) دانشگاه به‌عنوان مرکز انجام پژوهش‌ها که امکانات زیرساخت‌های لازم را برای خلق اختراع فراهم کرده است، (۳) دستگاه تأمین‌کننده مالی که می‌تواند یک نهاد دولتی و یا غیردولتی باشد، (۴) دفتر انتقال فناوری دانشگاه که به تجاری‌سازی اختراع کمک می‌کند، (۵) جامعه مصرف‌کننده که گروه هدف تجاری‌سازی اختراع است.

هریک از این اشخاص برای ورود و ایفای نقش در این چرخه، دارای مصالح و منافع هستند که بعضاً با منافع دیگر اشخاص در تعارض است: (۱) مصلحت مخترعان و پژوهشگران در فراهم آوردن انگیزه لازم برای خلق اختراع و نوآوری، (۲) مصلحت دانشگاه و یا مؤسسه پژوهشی در فراهم آوردن انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری و فراهم کردن زیرساخت‌ها و امکانات مناسب پژوهش و نوآوری، و (۳) مصلحت جامعه در تجاری‌سازی اختراعات حاصل و امکان استفاده هرچه بیشتر از اختراعات.

در این میان، هدف حقوق، مانند سایر عرصه‌ها، ایجاد تعادل میان این منافع متعارض است. به این منظور، حقوق نیازمند شاخصی برای سیاستگذاری و تصمیم‌گیری است. یکی از مهم‌ترین و در عین حال قدیم‌ترین شاخص‌های سیاستگذاری در حقوق، شاخص و معیار عدالت است. در ادامه (۱) مهم‌ترین تعاریف عدالت، و (۲) تطابق

هریک از ساختارهای مالکیت موجود با مفهوم عدالت، و در پایان (۳) الگوی عادلانه مالکیت اختراعات‌های دانشگاهی ارائه می‌شود.

۳-۱. مفهوم عدالت

۴-۱-۱. عدالت به معنای استحقاق

یکی از مهم‌ترین و در عین حال قدیم‌ترین تعریف عدالت منتسب به *ارسطو* است. در نظر *ارسطو* عدالت یعنی تقسیم و توزیع اموال و امکانات براساس استحقاق و شایستگی آنان. هر کس که مستحق و شایسته‌تر از دیگران باشد، سزاوار دریافت آن مال و امکانات است و این به عدالت نزدیک‌تر است. در تعیین این‌که چه کسی استحقاق بیشتری دارد، باید به غایت و هدف نهایی اشیا نظر انداخت. به این رویکرد، دیدگاه غایت‌شناسانه^۱ گفته می‌شود (سندل، ۱۳۹۴، ص ۲۴۱-۲۷۰)

در تعیین این‌که چه کسی شایسته مالکیت اختراعات است نیز باید به غایت و هدف نهایی اختراع چشم دوخت. به نظر می‌رسد غایت اصلی اختراع، تجاری‌سازی و استفاده همگان از آن است؛ اعم از مصرف‌کنندگان نهایی و سایر مخترعانی که بر پایه اختراع حاضر، دست به اختراعات تکمیلی می‌زنند. در نتیجه طبق این تعریف از عدالت، مالکیت اختراع باید به شخصی داده شود که امکانات و توانایی بیشتری برای تحقق این غایت داشته باشد.

۴-۱-۲. عدالت به معنای برابری

یکی دیگر از تعاریف مهم فلسفی از عدالت، تعریف *جان راولز*^۲ از عدالت است. *جان راولز* در بحث مربوط به عدالت، دو اصل مهم را ذکر می‌کند. یکی اصل آزادی‌های

۱. teleological

۲. John Rawls

اساسی برابر^۱ و دیگری اصل تفاوت^۲. این‌ها اصولی هستند که اشخاص در وضعیت اولیه^۳ برابری و بدون اطلاع از وضعیت آتی خود در جامعه (به تعبیر جان راولز، در پشت «پرده جهل^۴»)، به آن رأی خواهند داد.

در یک وضعیت فرضی که هیچ کس از سرنوشت خود در جامعه مطلع نیست و کسی نمی‌داند در جامعه پیش رو در زمره اقلیت مذهبی است و یا اکثریت دینی، شخص قطعاً به برابری حقوق هر دو گروه اقلیت و اکثریت رأی خواهد داد (اصل آزادی‌های برابر). از سوی دیگر از آن‌جا که اشخاص در وضعیت ابتدایی از شرایط مالی خود در جامعه مطلع نیستند و نمی‌دانند ثروتمند خواهند بود یا فقیری ژنده‌پوش، به توزیع برابر درآمدها رأی خواهند داد؛ مگر آن‌که اشخاصی که سهم بیشتری از ثروت می‌برند بتوانند وضعیت اشخاص با بهره کم‌تر را بهبود بخشند (اصل تفاوت). به این ترتیب هرچند برابری در توزیع درآمدها و امکانات ترجیح دارد؛ اما طبق اصل تفاوت، آن دسته از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی که به نفع محروم‌ترین اعضای جامعه باشد، مجاز و در نتیجه عادلانه است (سندل، ۱۳۹۴ ص ۱۹۹).

درخصوص تعیین مالکیت اختراعات دانشگاهی نیز طبق نظر جان راولز، اولویت با برابری طرفین در حق مالکیت است؛ مگر آن‌که توزیع نابرابر، موجب بهبود اوضاع اشخاص ضعیف‌تر شود.

۳-۱-۴. عدالت به معنای بیش‌ترین سعادت

جرمی بنتام فیلسوف اخلاق‌گرای انگلیسی، طراح نظریه فایده‌گرایی است. طبق نظر وی، «عالی‌ترین اصل اخلاق، بیشینه‌سازی سعادت، یعنی در مجموع افزایش خوشی

-
۱. Liberty principle
 ۲. difference principle
 ۳. original position
 ۴. veil of ignorance

در برابر رنج است. به گفته بنتام، کار درست همان کاری است که فایده را افزایش می‌دهد. منظور از فایده، هر چیزی است که لذت و سعادت ایجاد می‌کند و مانع از درد و رنج می‌شود» (سندل، ۱۳۹۴، ص ۹-۴۸).

به این ترتیب، هرگونه توزیع امکانات و دارایی‌ها که موجب به حداکثر رسیدن فایده یعنی سعادت و لذت در جامعه شود، از نظر بنتام عادلانه و صحیح است.

۴-۲. تطابق مالکیت دانشگاه با شاخص عدالت

در نگاه اول، به نظر می‌رسد در مقایسه دانشگاه با مخترع، این دانشگاه است که از امکانات و سرمایه بیشتری برای تجاری‌سازی اختراع برخوردار است. به همین دلیل دانشگاه توانایی بیشتری برای تحقق غایت اختراع یعنی تجاری‌سازی آن دارد و در نتیجه در مقایسه با مخترع، استحقاق بیشتری برای برخورداری از حق مالکیت اختراع دارد. به این ترتیب، اعطای مالکیت به دانشگاه با معیار عدالت به معنای شایستگی و استحقاق ارسطو تطابق بیشتری دارد.

علاوه بر این، به دلیل این‌که در فرض مالکیت دانشگاه، احتمال تجاری‌سازی اختراع و در نتیجه گستره توزیع و مصرف اختراع در جامعه بیشتر است، همین امر موجب به حداکثر رسیدن فایده در جامعه می‌شود و در نتیجه مالکیت دانشگاه، با معیار فایده‌گرایانه جرمی بنتام نیز تطابق بیشتری دارد.

همچنین طبق اصل تفاوت جان راولز نیز در صورت اعطای مالکیت اختراع به دانشگاه، با این پیش‌فرض که دانشگاه امکانات و توانایی بیشتری برای تجاری‌سازی اختراع دارد، می‌تواند با سهم کردن مخترع در عواید حاصل از تجاری‌سازی، نابرابری در توزیع امکانات را جبران کند. در نتیجه اعطای مالکیت به دانشگاه با نظریه عدالت جان راولز نیز سازگار است.

بر مبنای همین ملاحظات، امروزه در اکثر کشورهای دنیا، مالکیت اختراعات دانشگاهی بدو به دانشگاه‌ها که توان و امکانات بیشتری برای تجاری‌سازی

اختراعات دارند واگذار می‌شود و در مقابل برای فراهم کردن انگیزه لازم در مخترع و پژوهشگر، آنان در عواید حاصل از تجاری‌سازی اختراع سهیم می‌شوند. با وجود این، تمام این استنباطها منوط به این است که پیش‌فرض اولیه یعنی توانایی و امکانات بیشتر دانشگاه برای تجاری‌سازی اختراع صحیح باشد. هرچند این پیش‌فرض، می‌تواند در اغلب موارد صادق باشد اما خلاف آن نیز قابل تصور است. به دلیل تسلط و آشنایی بیشتر مخترع با محصول فکر و ایده خود می‌توان فرضی را در نظر گرفت که مخترع، توانایی بیشتری برای تجاری‌سازی اختراع داشته باشد. از این رو به طور مطلق نمی‌توان گفت این مدل مالکیت کاملاً منطبق با عدالت است.

۳-۴. تطابق مالکیت مخترع با معیار عدالت

اعتقاد به مالکیت مخترع نیز زمانی با معیارهای عدالت قابل انطباق است که نظیر آنچه در مالکیت دانشگاه گفته شد، پیش‌فرض اولیه این باشد که مخترع، توانایی و امکانات بیشتری برای تجاری‌سازی اختراع دارد. در این صورت مخترع با تحقق غایت اختراع که همانا تجاری‌سازی آن است استحقاق بیشتری برای مالکیت اختراع دارد و طبق نظریه *ارسطو*، این به عدالت نزدیک‌تر است. همچنین با فرض توانایی بیشتر مخترع در تجاری‌سازی اختراع، مالکیت او منجر به تولید بیشتر اختراع و در نتیجه به حداکثر رسیدن فایده در جامعه می‌شود و طبق نظریه جرمی بنتام نیز این نحوه تخصیص مالکیت به عدالت نزدیک‌تر است. از سوی دیگر در صورتی که مخترع ملزم شود دانشگاه را در عواید حاصل از تجاری‌سازی سهیم کند، اعطای مالکیت به مخترع با اصل تفاوت *جان راولز* نیز توجیه می‌شود. اما همان‌گونه که گفته شد این ساختار مالکیت نیز منوط به صادق بودن پیش‌فرض اولیه یعنی قدرت بیشتر مخترع در تجاری‌سازی اختراع است.

۴-۴. تطابق مدل مالکیت مشترک مخترع و دانشگاه با شاخص عدالت

درخصوص وضعیت مالکیت اختراعات دانشگاهی نیز در نظر جان راولز، برابری در توزیع درآمدها و امکانات ترجیح دارد. به این ترتیب اولی این است که هر دو شخص یعنی هم مخترع و هم دانشگاه، به طور برابر مالکیت اختراع را به دست آورند. با وجود این، همان‌گونه که گفته شد، جان راولز با استناد به اصل تفاوت، تحت شرایط خاصی، نابرابری در توزیع درآمدها را نیز عادلانه می‌داند و آن زمانی است که طرف برخوردار از امکانات بیش‌تر بتواند ضررهای طرف بی‌بهره یا با بهره کم‌تر را جبران کند. به این ترتیب در نظر جان راولز نیز عادلانه این است که مالکیت اختراع به هریک از طرفین که قدرت و توانایی بیش‌تری برای تجاری‌سازی اختراع دارند، واگذار شود. در مقابل وی، زیان وارد به طرف ضعیف‌تر را جبران کند.

۴-۵. ساختار عادلانه: مالکیت دانشگاه با حق انتخاب مالکیت توسط مخترع
همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مسأله اصلی در تعیین ساختار مالکیت اختراعات دانشگاهی منوط به تعیین شخصی است که توانایی بیش‌تری برای تجاری‌سازی اختراع دارد. از آن‌جا که تعیین این شخص به طور کلی امکانپذیر نیست و باید مورد به مورد تعیین شود، ساختار «مالکیت دانشگاه با حق انتخاب مالکیت توسط مخترع» پیشنهاد می‌شود.

در این مدل که حد وسط مدل‌های دیگر است، ابتدا حق مالکیت به دانشگاه اعم از دولتی و یا غیر دولتی اعطا می‌شود؛ اما مخترعان حق دارند ظرف مدت زمان مشخصی، مالکیت اختراع را درخواست کنند.

در صورت عدم درخواست مالکیت اختراع توسط مخترع، دانشگاه مکلف است سهمی از عواید تجاری‌سازی اختراع را به مخترع اعطا کند؛ اما در صورت انتخاب حق مالکیت توسط مخترع، وی مکلف است سهمی از عواید تجاری‌سازی اختراع را به دانشگاه اعطا کند، مثلاً پنج درصد سهام شرکت یا سود حاصل از تجاری‌سازی.

علاوه بر این در هر دو فرض - بقای حق مالکیت دانشگاه و یا انتقال مالکیت به مخترع - با هدف تضمین تجاری‌سازی اختراع و عدم انحصار آن در دست مالک، وی مکلف است مجوز بهره‌برداری از اختراع را به صورت غیرانحصاری دست‌کم به دو شرکت مستقل واگذار کند.

کلام آخر این‌که پیاده‌سازی مدل واحد در تمام کشورها لزوماً منجر به نتایج واحد نمی‌شود. از این رو پذیرش بی چون و چرا و بدون جرح و تعدیل هیچ مدلی در عرصه سیاستگذاری سفارش نمی‌شود. واقعیت آن است که علاوه بر مسأله حق مالکیت اختراعات دانشگاهی که نیازمند شفاف‌سازی و تدوین قوانین ویژه است، لازم است سایر زیرساخت‌های لازم برای تجاری‌سازی اختراعات دانشگاهی نیز همزمان فراهم شود تا به اثربخشی این سیاست کمک کند.

از جمله عوامل دیگری که علاوه بر اصلاح قانونی ساختار مالکیت می‌تواند منجر به افزایش تجاری‌سازی اختراعات دانشگاهی شود می‌توان به: (۱) افزایش استقلال دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، (۲) تمرکز زدایی استخدام و امکان جذب و استخدام غیر متمرکز محققان توسط دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، (۳) اعطای مشوق‌های مبتنی بر عملکرد به محققان، (۴) احتساب فعالیت‌های فناورانه در ارتقای اعضای هیأت علمی و محققان مراکز پژوهشی، (۵) تأسیس اداره‌های فعال و جدی انتقال فناوری، و (۶) تأمین منابع مالی، پرسنل و زیر ساخت‌های لازم اشاره کرد (Paraskevopoulou, 2013).

۵. منابع

الف) منابع فارسی

۱. بیکس، برایان، «فرهنگ نظریه حقوقی»، ترجمه محمد راسخ، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۹۳.

۲. سنندل، مایکل، «عدالت، چه باید کرد؟»، ترجمه افشین خاکباز، فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم، ۱۳۹۴.
۳. صاحب، طیبه، «تأثیر کارایی بر ساختار حقوق مالکیت فکری»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۲، شماره ۱۳، ۱۳۹۱.
۴. هارت، هربرت، «مفهوم قانون»، ترجمه محمد راسخ، نشر نی، ۱۳۹۰.

ب) منابع انگلیسی

5. Audretsch, David, "Review of University Patenting in Europe", 2012, available at : <http://www.triplehelixconference.org/th/11/bic/docs/Papers/Audretsch.pdf>
6. Graff, Gregory D., "Echoes of Bayh-Dole? A Survey of IP and Technology Transfer Policies in Emerging and Developing Economies. ", *In Intellectual Property Management in Health and Agricultural Innovation: A Handbook of Best Practices* (eds. A Krattiger RT Mahoney, L Nelsen, et al.).2007, MIHR: Oxford, U.K., and PIPRA: Davis, U.S.A. Available online at www.ipHandbook.org
7. Hvide Hans K. and Jones Benjamin F., "University Innovation and the Professors privilege", 2016, Available at : www.kellogg.northwestern.edu/faculty/jones-ben/htm.
8. Kenney, Martin and Patton, Donald, "Reconsidering the Bayh-Dole Act and the Current University Invention Ownership Model", *Research Policy, Policy and Management Studies of Science, Technology and Innovation*, 38, 2009.

9. Kenney, Martin and Patton, Donald, " Does Inventor Ownership Encourage University Research-Derived Entrepreneurship? A six University Comparison " , *Research Policy, Policy and Management Studies of Science, Technology and Innovation*, 40, 2011.
10. Koller, Peter, " Social and Global Justice " , in " Spheres of Global Justice Volume 1 Global Challenges to Liberal Democracy. Political Participation, Minorities and Migrations" , Springer, 2013.
11. Ledebur, Von Sidonia and Buenstorf, Guido and Hummel, martin : " University Patenting in Germany before and after 2002: What Role Did the Professors' Privilege Play?" , *Jena Economic Research Papers* , 2009.
12. Linde, Sara, " Inventor Remuneration , Issues for a multinational company" , *L.L.M Thesis, Stockholm University*, 2011.
13. Mathis, Klaus, " Efficiency Instead of Justice ? Searching for the Philosophical Foundations of the Economic Analysis of Law" , *Law and Philosophy Library, volume 84, Springer*, 2009.
14. Paraskevopoulou, Evita, " The Adoption of Bayh-Dole Type Policies in Developing Countries" , *World Bank, The Innovation Policy Platform*, 2013.
15. Ramli, Nasibah and Zainal , Zinatul Ashiqin : " Intellectual Property Ownership Model in Academia: An analysis" , *Journal of Intellectual Property Rights*, vol 19, 2014.
16. University of Waterloo: "Policy 73 –Intellectual Property Rights" , = available at: <https://uwaterloo.ca/secretariat-general-counsel/policies-procedures-guidelines/policy-73-intellectual-property-rights>
17. Yadolahi Farsi, Jahangir, Modarresi, Meisam and Zarea, Hadi, " Obstacles and Solutions of Commercialization of University Research: Case Study of

Small Businesses Development Center of University of Tehran “ , *Journal of Knowledge Management, Economics and Information Technology*, Issue 7, 2011

